

شد تا نگرانی‌های آمریکا دوچندان شود. تا قبل از جنگ اوکراین چنین به نظر می‌رسید که روسیه به صورت حساب‌شده و هوشمندانه درصدد آماده کردن خود برای حضور در خاورمیانه پس‌آمریکایی است. نزدیکی به متحدان آمریکا در منطقه، نقش‌آفرینی در جنگ داخلی سوریه، برقراری روابط نزدیک با رقبای منطقه‌ای در خاورمیانه و تلاش برای ایجاد توازن میان آن‌ها، فروش تسلیحات به کشورهای منطقه، تشکیل «اوپک پلاس» و همکاری با کشورهای منطقه در تنظیم بازار نفت و بسیاری از اتفاقات دیگر نشان می‌داد که مسکو برنامه دقیق‌تری برای افزایش حضور خود در خاورمیانه دارد. ناتوانی واشنگتن از تأمین هزینه‌های ادامه سیاست خاورمیانه‌ای قبلی از یک طرف، و بی‌میلی پکن برای ورود در منطقه بی‌ثبات و ناامن خاورمیانه از طرف دیگر، مسکو را امیدوار کرده بود که بازگشت شکوهمندانه‌ای به خاورمیانه داشته باشد، اما حمله روسیه به اوکراین و پیامدهای آن باعث دگرگون شدن اوضاع شد. در ادامه به تأثیر توازن جدید بین‌المللی، در بازطراحی سیاست‌های منطقه‌ای عربستان سعودی، ترکیه و امارات متحده عربی به عنوان سه کشور مؤثر در منطقه خاورمیانه می‌پردازیم.

عربستان سعودی

اثرات بحران مالی ۲۰۰۸ در عربستان بعد از اعتراضات عربی ۲۰۱۰ محسوس شد؛ زیرا عربستان برای حفظ رضایت مردم به ادامه توزیع رانتی نیازمند بود که اکنون منابع آن بر اثر بحران مالی دچار تهدید شده بود. روانه شدن نفت شیل به بازار و اعتراضات مردمی به حکومت‌های اقتدارگرا در جهان عرب در کنار تصویر منفی فزاینده از عربستان در افکار عمومی آمریکا، روابط واشنگتن با ریاض را در دوران پس از یازدهم سپتامبر و بحران مالی ۲۰۰۸ وارد مرحله سختی کرده بود و درست در میانه سردی این روابط، خیزش‌های مردمی در جهان عرب، هیئت حاکمه در عربستان را به این جمع‌بندی رساند که اگر رویکرد محافظه‌کارانه و تدافعی گذشته را ادامه دهد، نمی‌تواند در محیط در حال تغییر منطقه، امنیت و ثبات خود را حفظ کند؛ لذا باید سیاست خارجی تهاجمی‌تری در منطقه در پیش بگیرد.

افول جایگاه منطقه‌ای مصر در جهان عرب هم عربستان را امیدوار کرده بود که در خلأ هژمونی مصر در جهان عرب بتواند جایگزین آن شود، اما بحران مالی ۲۰۰۸ و اعتراضات موسوم به بهار عربی دو تأثیر عمده دیگر هم بر عربستان داشت: نخست اینکه منابع مالی آن را برای توزیع در جامعه به عنوان یک دولت رانتیر کاهش داد؛ در نتیجه مبانی نظم سنتی حاکم بر عربستان به نوعی تهدید شد. نظامی که در آن روحانیون وهابی مسئول تفسیر دین و خانواده سعودی و شاهزادگان آن حاکم کشور بودند و از طریق توزیع منابع رانتی حاصل از فروش نفت مردم را راضی و مطیع نظم حاکم نگه می‌داشتند. دومین تأثیر عمده تغییرات نظام بین‌الملل بر عربستان این بود که جایگاه آمریکا به عنوان اصلی‌ترین تأمین‌کننده امنیت عربستان و متحد بین‌المللی آن متزلزل شد. این امر ناشی از سردی روابط با آمریکا و نیز بی‌میلی فزاینده آمریکا برای ادامه سیاست امنیتی گذشته خود در منطقه بود؛ به این ترتیب، عربستان دیگر نمی‌توانست با اتکا به آمریکا از بابت امنیت خود اطمینان حاصل کند و به دنبال افزایش قدرت منطقه‌ای خود باشد. در نتیجه کوشید تا حدی مستقل از آمریکا در منطقه عمل کند.

تکیه بر ناسیونالیسم سعودی در سیاست خارجی عربستان در دوران بن سلمان هم مصرف داخلی داشت و هم نشانه استقلال عمل عربستان از آمریکا بود. در این میان، جانشینی محمد بن سلمان و رقابت با سایر شاهزادگان سعودی برای کسب قدرت باعث شد عربستان با سومین مسئله عمده خود